

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی

۲۴ اگست ۲۰۱۲

سوء استفاده لابی های حکومت اسلامی ایران در امریکا از زلزله زدگان!

قبل از پرداختن به سوء استفاده لابی های حکومت اسلامی ایران از زلزله زدگان، تأکید این مسأله ضروری است که دعوا و رقابت و کشمکش حکومت اسلامی ایران و حکومت امریکا و هم چنین توافقات و نزدیکی آن ها، کم ترین ربطی به منافع مردم ایران ندارد. هر دوی طرفین، سیاست های خشونت طلبانه و جنگ طلبانه و ارتجاعی دارند و تاریخ شان مملو از ترور و وحشت و خشونت و جنگ و کشتار است.

وزارت خزانه داری امریکا روز سه شنبه ۳۱ مرداد [اسد] ۱۳۹۱، اعلام کرد که به طور موقت به انجمن های خیریه و سازمان های غیردولتی اجازه می دهد تا برای کمک به زلزله زدگان آذربایجان شرقی و هم چنین بازسازی این مناطق به ایران پول بفرستند.

به گزارش وب سایت خزانه داری امریکا، دفتر کنترل سرمایه های خارجی این وزارتخانه مجوز کلی برای تسهیل کمک های مالی به مناطق زلزله زده ایران صادر کرده است.

طبق این مجوز، سازمان های غیردولتی در امریکا اجازه دارند از ۳۱ ماه اگست تا پانزدهم اکتوبر ۲۰۱۲ کمک های مالی خود را تا ۳۰۰ هزار دلار برای بازسازی یا به عنوان کمک های انسان دوستانه به مناطق زلزله زده آذربایجان شرقی به ایران ارسال کنند.

وزارت خزانه داری امریکا می گوید: «نهادهای و سازمان های غیردولتی که مایل هستند در این دوره ۴۵ روزه بیش از ۳۰۰ هزار دلار کمک به زلزله زدگان اعطا کنند احتمالاً باید مجوز خاص اخذ کنند.»

وزارت خزانه داری امریکا می گوید: «کمک های دارویی و غذایی نیازمند اخذ مجوز نیستند. این کمک ها تا زمانی که برای کمک به مردم باشد از تحریم های امریکا علیه ایران معاف است و نباید در اختیار دولت یا نهاد ها و افراد مورد تحریم قرار گیرد.»

در همین رابطه، هفته گذشته ۱۴ عضو کنگره آمریکا در نامه ای به بارک اوباما، رئیس جمهوری آمریکا، ضمن ابراز نگرانی از موانع احتمالی بر سر راه ارسال کمک ها به زلزله زدگان ایران از وی خواسته بودند یک مجوز کلی برای تسهیل ارسال کمک های انساندوستانه به قربانیان زلزله آذربایجان شرقی صادر کند. علاوه بر این نمایندگان کنگره، برخی نهادهای مرتبط با جامعه ایرانیان در آمریکا در مورد تأثیر تحریم ها بر ارائه کمک شهروندان آمریکا به زلزله زدگان ابراز نگرانی کرده بودند.

تا این جای مسأله حرفی نیست. طبیعی است که هر دولت و فرد و نهادی به آسیب دیدگان از جمله زلزله آذربایجان کمک کند. آن هم در حالی که حکومت اسلامی، نسبت به این مسأله بی اعتنائی نشان داده است و حتی ده ها نفر از کسانی که از شهرهای مختلف ایران برای کمک به زلزله زدگان وارد شهرهای آذربایجان شرقی شده بودند توسط سپاه و مأمورین امنیتی حکومتی دستگیر شده اند. هم چنین شهرهای آذربایجان شرقی، به شدت امنیتی شده و سپاه برای زهرچشم گرفتن از مردم و جلوگیری از اعتراضات احتمالی، حتی سپاه کمک های مردمی را که از سراسر ایران به مناطق زلزله زده سرازیر شده است به زور از مردم می گیرد و انبار می کند. این عملکردهای سپاه و بی تفاوتی حکومت اسلامی، نه تنها خشم مردم مناطق زلزله زده، بلکه خشم همه مردم آزاده را نیز برانگیخته است.

نهادهای مردمی و فعالان کارگری، زنان، دانش جویان، پزشکان، هنرمندان، نویسندگان و غیره تلاش می کنند کمک های جمع آوری شده را خودشان مستقیماً به دست آسیب دیدگان برسانند. چرا که آن ها، هیچ اعتمادی به حکومت و ارگان ها و مسؤولینش ندارند به خصوص تجارب قبلی در زلزله بم و قبل از آن رودبار، نشان داده اند که ارگان ها و عوامل حکومت اسلامی، کمک های مالی نقدی و غیرنقدی را غارت کرده بودند و چادر، کیسه خواب، پتو و غیره را در بازارهای شهرها به فروش می رساندند و وجوه نقدی را به جیب خود می گذاشتند. دزدی و چپاول و رشوت خواری در حکومت اسلامی و در همه ارگان هایش عمومیت دارد.

در چنین وضعیتی، هنوز بسیاری از زلزله زدگان بدون کمک و سر پناه مانده اند. بیماری های مسری، سرما، هجوم حیوانات وحشی و غیره نیز بازماندگان زلزله را تهدید می کنند.

امروز پنجشنبه ۲ شهریور [سنبله] ۱۳۹۱ برابر با ۲۳ اگست ۲۰۱۲، زلزله؛ خبرگزاری هرانا، نوشت؛ سعید شیرزاد که سه شنبه ۳۱ مرداد ماه [اسد] سال جاری هنگام کمک و امداد به زلزله زدگان در ورزقان بازداشت شده بود، در اعتراض به نحوه بازداشت و شرایط نگهداری خود در زندان اهر دست به اعتصاب غذا زد.

بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، سعید شیرزاد که به زندان اهر منتقل شده است در اعتراض به نحوه بازداشت و شرایط نگهداری خود در این زندان دست به اعتصاب غذای نامحدود زده است.

سعید شیرزاد از اعضای جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان که برای امداد رسانی و کمک به مردم زلزله زده به آذربایجان رفته بود بدون هیچ گونه اتهام مشخصی روز سه شنبه ۳۱ اسد در ورزقان بازداشت شد.

همین روز، خبرگزاری از بازداشت گروهی از داوطلبان کمک به زلزله زدگان خبر دادند که «نیروهای امنیتی» اول سنبله، به کمپ کمک رسانی مردمی به زلزله زدگان در استان آذربایجان شرقی، «حمله» کرده و «ده ها نفر» را بازداشت کرده است. سحام نیوز فهرستی از «۴۰ تن از بازداشت شدگان» منتشر کرده است.

امیر کلهر، فعال دانشجویی و از داوطلبان کمک به زلزله زده ها که در منطقه حاضر بوده، روز پنجشنبه، دوم سنبله در گفتگو با رادیو فردا، ضمن تأیید این خبر گفت که نیروهای انتظامی و امنیتی قصد «هجوم» به انبار کالاها را داشته اند و پس از آن نیز تهدید به پلمب انبار کرده اند که به دنبال مقاومت فعالان مدنی حاضر در محل،

پس از محاصره «هفت ساعته» این انبار، افرادی را دستگیر کرده اند. بستگان برخی از بازداشت شدگان نیز پیش تر در گفت و گو با رادیو فردا، اعلام کرده بودند که این بازداشت ها در محل انبار کمک های جمع آوری شده در جاده تبریز- ورزقان صورت گرفته است.

این منابع آگاه به رادیو فردا گفته بودند که نیروهای سپاه پاسداران برای ضبط کمک های مردمی جمع آوری شده از سوی فعالان داوطلب وارد عمل شده و تأکید کرده اند که کمک های مردمی باید به این نهاد تحویل داده شود. هنوز از محل نگهداری بازداشت شدگان و اتهامی که متوجه آنها است اطلاعات دقیقی در دست نیست. به گفته امیر کلهر، «میلاد پناهی پور، نوید خانجانی، واحد خلوصی و میثاق افشار» از لحظه بازداشت دست به اعتصاب غذا زده اند.

هنوز هم اخبار و گزارشات زلزله از سوی مقامات و رسانه های حکومتی ضد و نقیض اعلام می شود. برای مثال، خبرگزاری حکومتی مهر که پیش تر شمار جان باختگان زلزله آذربایجان را «۳۰۶ تن» اعلام کرده بود، ۳۰ شهریور ماه به نقل از سازمان پزشکی قانونی کشور آخرین آمار رسمی کشته شدگان را «۲۵۷ تن» اعلام کرد. این سازمان ادعا کرده است دلیل این اختلاف آمار از آن جا ناشی می شود که «بیک سری فوت شدگان روستائی را دو مرتبه حساب کرده بودند، ولی اختلاف اصلی به دلیل خاک سپاری برخی اجساد بدون جواز دفن است.»

در حالی که حتی پس از اعلام آمار ۳۰۶ جان باخته زلزله، خبرگزاری ها اعلام کردند که جنازه ۱۲ تن دیگر از زیر آوار بیرون کشیده شده است. به این ترتیب، سران و مقامات و مسؤولین حکومتی آگاهانه و عمدانه سعی دارند ابعاد زلزله آذربایجان شرقی را ناچیز جلوه دهند تا بی عملی و بی تفاوتی خود و عدم اقدام سریع شان برای کمک به زلزله زدگان را در افکار عمومی توجیه پذیر نمایند.

اما آن چه که اکنون درباره کمک به زلزله زدگان از سوی لابی های حکومت اسلامی، در جریان است آشکارا سوء استفاده از موقعیت این مردم داغ دیده است و هدف اصلی شان، بده و بستن هایشان با حکومت اسلامی جهل و جنایت و ترور اسلامی است. آن ها، در تلاشند به نام زلزله زدگان روابط مالی و تجاری خود با حکومت اسلامی را بهبود بخشند.

در همین راستا، یکی از لابی های حکومت اسلامی در امریکا، «شورای ایرانی - امریکائی» به ریاست «هوشنگ امیراحمدی» است. او در رادیوها، سنگ کمک رسانی به زلزله زدگان را به سینه می زند و نه تنها جمله ای از بی تفاوتی و دهن کجی حکومت اسلامی به زلزله زدگان به زبان نمی آورد، بلکه همواره به دولت امریکا انتقاد می کند که فضای بیش تری در انتقال پول و اجناس به ایران فراهم سازد.

در این سال ها، به ویژه پس از روی کار آمدن دولت احمدی نژاد، هوشنگ امیراحمدی و نهادی که در رأس آن است، همواره به عنوان سخن گویند و سیاست گذاران حکومت اسلامی در امریکا ظاهر شده اند. در واقع این ها، نقش دلالی بین حکومت اسلامی ایران و ارگان های مختلف امریکائی را به عهده دارند.

امیراحمدی، در سخن رانی های خود، همواره به تعریف و توصیف از حکومت اسلامی ایران می پردازد و ادعا می کند که در ایران، جامعه مدنی برقرار است و آزادی و عدالت وجود دارد.

او، مدتی پیش در گفت و گوئی با «عصر ایران»، می گوید در زمان اولین دوره انتخاباتی که خاتمی در آن شرکت کرده از نامزد رقیب او یعنی ناطق نوری حمایت کرده و هنوز هم بر صحت تصمیم خود ایمان دارد.

او می گوید می خواسته در انتخابات ریاست جمهوری دور قبل شرکت کند، اما رد صلاحیت شده و به همین خاطر به جنتی (رئیس شورای نگهبان قانون اساسی) نامه ای هم نوشته است و البته قصد دارد باز هم در این زمینه «بخت آزمائی» کند.

او، می گوید متولد چهارم فروردین سال ۱۳۲۶ در دهکده ای به نام «شیخ نشین» در بخشی به نام «شاندرمن» از شهرستان تالش از استان گیلان است. امیراحمدی، درباره خانواده اش می گوید: «پدر بزرگ من خان بود، تمام املاک و زمین های آن منطقه برای او بود. مردی بود که چندین زن داشت و من بیست و یکی دوتا عمو و عمه داشتم و...» «خانواده ام در اروپا، امریکا و ایران پخش هستند و الان هم شنیدم در آن جا نسل دیگری آمدند.» «... یکی دیگر از خواهرانم خانه دار است و همسرش در ارتش است و بعد هم وارد سپاه شد.» «اوایل سال ۵۴ بود، من از این جا مستقیم به دالاس رفتم...»

«سال ۸۶ (میلادی) به ایران برگشتم. با دعوت آقای مهندس مهدی چمران، که الان رئیس شورای شهر است. سه بار در سه کنفرانس بازسازی، در سه سال پشت سر هم به ایران آمدم. بعد از آن با دعوت کنفرانس های دفاع مقدس چندبار آمدم. بعد هم به دعوت وزارت امور خارجه چندباری به ایران آمدم.»

«این را اول بگویم که اصلا جناحی نیستم. من هرگز با هیچ جناحی نه در گذشته و نه در حال فعالیت کرده ام. من ویژگی های فکری ام جووری است که با جزء به جزء خیلی از جناح های سیاسی کشور نزدیک هستم.» «از احمدی نژاد خوشم می آید چون آدم خیلی شجاعی است، از کروی هم به همین معنا. از آقای خاتمی هم خیلی خوشم می آید آدم خیلی وارسته و دموکراتی است، اما شجاعت لازم را خیلی وقت ها به خرج نداد... به خودش (احمدی نژاد)، هم گفتم که من خیلی دوست دارم به تو کمک کنم.»

می بینیم که هوشنگ امیراحمدی، علاوه بر طرفداری از کلیت حکومت اسلامی، شخص پاسدار احمدی نژاد را نیز «خیلی دوست دارد»، می توان گفت که انتقاد او به دولت امریکا به بهانه زلزله زدگان، با چه هدفی صورت می گیرد.

لازم به یادآوری است که در دسمبر ۲۰۰۸، هنوز چند هفته ای از پیروزی بارک اوباما، نگذشته بود که نمایندگان بیش از ۲۰ گروه امریکائی در [جلسه ماهانه مشترک خود گرد آمدند](#) تا فعالیت های لابی شان در رابطه با ایران را هماهنگ کنند. مجموعه این گروه ها «کارزار برای یک سیاست جدید در مورد ایران» ([Campaign for a new Iran American policy on](#) - CNAPI) نام دارد که رهبری آن به عهده نایاک و تریتا پارسی است. نایاک، با حمایت «مؤسسه جامعه باز» و کمپانی های بزرگ امریکا کنترل این مجموعه را به دست گرفت و این ائتلاف یک لابی بزرگ حکومت اسلامی به وجود آوردند. بخشی از فعالیت های این ائتلاف در وب سایتی به نام «پروژه سیاست خارجی امریکا» [American Foreign Policy Project](#)، منتشر می شود.

سه سازمان ایرانی نیز تأسیس شد که مهم ترین آن «شورای امریکائی - ایرانی» به ریاست هوشنگ امیراحمدی است که بخش عمده بودجه آن، از سوی کمپانی های نفتی تأمین می شود. سازمان دیگری، به نام «ایرانیان برای همکاری بین المللی» است که تریتا پارسی آن را به راه انداخته است. او، در آن زمان در سویدن زندگی می کرد برای لابی به امریکا رفت.

حسن دائی که این لابی ها را افشاء کرده با شکایت این لابی ها، روبرو شده است. دائی، می نویسد: «در سندی که از دادگاه دریافت کرده ایم، تریتا پارسی هدف سازمان خود را برداشتن تحریم از روی ایران و فشار به کنگره امریکا برای دوستی با جمهوری اسلامی اعلام کرده است.»

دائی، با سند نشان می دهد که در آغاز سال ۲۰۰۱ تریتا پارسی به استخدام هوشنگ امیراحمدی در آمد و با دریافت اجازه کار وارد امریکا گردید. (سند: [AIC board re TP](#)) وی از همان زمان تلاش خود برای راه اندازی یک لابی وسیع تحت نام ایرانیان را آغاز کرد. یکی از اسناد مهمی که از طریق دادگاه به دست آورده ایم، صورت جلسه یک کنفرانس تلفونی و چند ایمیل در جون ۲۰۰۱ یعنی چند ماه قبل از راه اندازی نایاک، بین تریتا پارسی با چند نفر دیگر من جمله عباس عدالت است که در مورد راه اندازی یک لابی در امریکا بحث و گفت و گو می کنند. عباس عدالت، همان کسی است که بعدها سازمان لابی «کاسمی» را به راه انداخت که تحت نام مبارزه با جنگ، از سال ۲۰۰۵ تاکنون در حمایت از رژیم ایران و برنامه اتمی اش فعالیت کرده است.

شورای ایرانی - امریکائی امیراحمدی، در طول پنج سال گذشته با نفوذترین گروه امریکائی ایرانی در صحنه سیاسی امریکا بوده است. امیراحمدی، رئیس از حامیان روابط ایران و امریکا است که از جمله یکی از تنظیم کنندگان دیدارهای هیأت های ایرانی با امریکائی ها، به ویژه سفرهای محمود احمدی نژاد به امریکا است. امیراحمدی، به مناسبات مختلف به ایران نیز سفر می کند و با احمدی نژاد و دیگر مقامات ایرانی دیدار و گفت و گو می کند.

او، در جواب پرسشی که «سخنرانی آقای احمدی نژاد در دانشگاه کلمبیا را چگونه ارزیابی می کنید آیا تصور نمی کنید امریکائی ها به بهانه دموکراسی به رئیس جمهور توهین کردند؟»، چنین جواب می دهد: «سخنرانی دکتر احمدی نژاد خوب بود اما برخورد با وی بسیار بد بود برخوردی که با رئیس جمهور کشورمان شد برخوردی بسیار زنده، بی ادبانه، غیرآکادمیک و ناجوانمردانه بود. نباید با وی چنین برخوردی می کردند. به نظر من این برخورد با رئیس جمهور ایران نشان از یک تنش میان ایران و اسرائیل و امریکا است و از آن مهم تر نشان از یک جریان در امریکا و در منطقه دارد که می خواهد ایران را عصبی کند و بعد با همان بهانه ای که ما به دستش می دهیم اقدام خصمانه علیه ایران انجام بدهد.»

احمدی نژاد، خودش درباره این جلسه گفته است که «امام زمان» شان بر آن نظارت داشت. پس از حضور احمدی نژاد در دانشگاه کلمبیا، مطبوعات امریکا، علیه او مطالب تندی نوشتند و حتی برخی مطبوعات او را با هیتلر مقایسه کردند. امیراحمدی، به عملکرد این رسانه ها اعتراض می کند و به این شکل حمایت همه جانبه خود از احمدی نژاد را نشان می دهد. او، هم چنین از حامیان سرسخت فعالیت های اتمی حکومت اسلامی است.

به این ترتیب، امیراحمدی و شورایش و انتقاداتش به دولت امریکا، درباره ارسال وجه نقدی و غیرنقدی از امریکا به ایران، در واقع تلاشی در جهت حمایت از حکومت اسلامی است و ربط چندانی به آسیب دیدگان زلزله ندارد. بنابراین، هوشنگ امیراحمدی و هم فکرائش، از زلزله زدگان آذربایجان در راستای اهداف و سیاست های غیرانسانی شان سوء استفاده می کنند.

پنج شنبه دوم سنبله ۱۳۹۱ - بیست و سوم اگست ۲۰۱۲